

نقش سرمایه های انسانی در تحقق اقتصاد مقاومتی

علی اعتباری^۱، مهدی محمدی^۲

^۱ مدرس دانشگاه پیام نور شهرستان نیر

^۲ محقق و پژوهشگر، ایران

چکیده

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای استقرار خود در حوزه های مختلف اقتصادی با مسایل و مشکلات متنوعی روبرو بوده است که به هیچ عنوان نظام های سیاسی قبل، در ادوار مختلف تاریخی با آن روبرو نبوده اند. بیشتر این مشکلات بر اثر تحریم و تخصم کشور های استکباری و صاحب قدرت با آرمانهای نظام جمهوری اسلامی و یا ناشی از فرهنگ غلط مصرف در ایران بوده است؛ بنابراین خود نظام اسلامی مکلف به نوع آوری و ابتکار و الگوسازی در عرصه های جدید اقتصادی است که یکی از این الگوها اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی می باشد. مفهوم اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در شهریور سال ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری به ادبیات اقتصادی ایران اضافه شد که دارای مفاهیم عمیق نظری و عملی است؛ و تحقق اقتصاد مقاومتی دارای الزامات متعددی است که یکی از این الزامات استفاده بهینه از ظرفیت ها و منابع موجود به خصوص نیروی انسانی است و این محقق نخواهد شد مگر با آموزش صحیح و نهادینه کردن فرهنگ بهره وری در بین آحاد مردم

واژه های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، بهره وری، سرمایه انسانی.

۱-مقدمه

یکی از عرصه هایی که بویزه در سالهای اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده عرصه اقتصادی بوده است زیرا جبهه استکبار پس از طی کردن دوران مقابله سخت و نظامی و عدم توفیقات آنها در این عرصه تقابل خود را وارد فاز جدیدی کرده اند و از طریق تحریم های سخت اقتصادی سعی در به انزوا کشیدن ایران در جهان و نیز با نامساعد کردن محیط کسب و کار و ایجاد رکود اقتصادی در داخل سعی در ناراضی کردن مردم از حاکمیت را دارند.

بنابراین مجموعه شرایط پیش آمده برای کشور در عرصه های مختلف سیاسی و اقتصادی بخصوص در عرصه بین الملل که نظیری برای آن نمی توان یافت باعث شد که رهبر انقلاب اسلامی با رصد دقیق شرایط کنونی داخلی و خارجی فاز جدیدی را برای برون رفت از وضع کنونی اقتصادی و استمرار اقتدار ملی و اقتصادی و علمی کشور ترسیم بکند.

رهبر معظم انقلاب مفهوم اقتصاد مقاومتی را برای اولین بار در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح نمودند.

اقتصاد مقاومتی مفهومی نو و بدیع بود که در ادبیات اقتصادی دنیا تا کنون مطرح نشده و معادل مشابهی برای آن وجود نداشت بنابراین لازم است نخبگان اقتصادی کشور این مفهوم پویا را با کارهای عالمانه خود به ادبیات اقتصادی دنیا اضافه بکنند.

از تعاریف مختلفی که از اقتصاد مقاومتی شده است می توان به این نتیجه رسید که اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که به یک ملت امکان می دهد تا با تکیه بر ظرفیت ها و امکانات داخلی حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند، این نه تنها یک فکر بلکه یک مطالبه عمومی احاد مردم و دولت است (بحرینی، ۱۳۹۲).

فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه "مامروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که میخواهد با فشار اقتصادی و با تحریم، سلطه یا اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم" نشان می دهد اقتصاد مقاومتی در شرایط امروز کشور به عنوان یک راهکار کلان اقتصادی ارایه شده است.

اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل سازی ویژه ای از شرایط و سازگار های اقتصادی است که مبتنی بر آن فضای کشور بر اساس فرض موجود حداکثر تحریم ها و فشارها بصورت فعال و نه منفعل طراحی می شود.

در مبنای نظری اقتصاد مقاومتی، مکانیسم های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی و داخلی و نهاد های مالی و واسطه ای و... با توجه به پتانسیل ها و ظرفیت های داخلی طوری طراحی می شود که تحریم های اقتصادی نه یک تهدید بلکه به عنوان فرصت مطرح شود.

به خصوص در چند سال اخیر با شدت گرفتن تحریم های غرب علیه ایران به خصوص مساله هسته ای و موشکی و بد عهدی آنها بعد از برجام ما را بر آن داشت تا در راستای اتکا به خود و کاهش نقاط آسیب پذیر اقتصادی کشور و بستن راه نفوذ اقتصادی دشمن مفهوم اقتصاد مقاومتی را جدی گرفته و آن را از یک شعار صرف به یک نقشه راهی برای توسعه همه جانبه کشور تبدیل بکنیم و آن را به یک مدل بین المللی برای کشور هایی که می خواهند از یک اقتصاد مستقل و غیر وابسته به دول استکباری برخوردار باشند تبدیل بکنیم.

یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی که بدون آن تحقق اقتصاد مقاومتی قابل تصور نیست نقش نیروی انسانی در پیشبرد اهداف این موضوع است.

برای پیشبرد این برنامه سودمند اقتصادی نیازمند داشتن نیروی انسانی کارآزموده و متخصص هستیم

و هرم جمعیتی کشور ایران در حال حاضر نشان از جمعیت جوان بسیاری را می دهد که می تواند نکته قوتی برای تحقق این مفهوم مهم باشد زیرا نیروی انسانی همواره در کنار سرمایه به عنوان یکی از منابع اصلی در کار و تولید و رشد اقتصادی مطرح بوده است.

اما در این خصوص صرفاً کمیت نیروی انسانی در تحقق این امر مهم کاری از پیش نخواهد برد بلکه نیروی انسانی کارآزموده و متخصص است که می تواند از ظرفیت ها و پتانسیل های داخلی نهایت استفاده را برده و کشور را در مسیر رسیدن به توسعه پایدار و خودکفایی سوق دهد.

ارتقای نیروی انسانی به خودی خود موجب ارتقای تولید ناخالص ملی نمی شود بلکه بالابردن بهره وری و اثر بخشی عوامل تولید به ویژه نیروی انسانی است در این رابطه نقش بسزایی دارد.

چنانچه بهره وری افزایش یابد تولید ناخالص ملی سریعتر از رشد نهاده ها رشد خواهد کرد و در نتیجه توانایی تولید بیشتر افزایش خواهد یافت.

تجربه بسیاری از کشور ها نشان می دهد که بی توجهی به سرمایه گذاری در نیروی انسانی و ایجاد سرمایه های انسانی موجب بروز مشکلاتی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی از قبیل بالا رفتن هزینه و ضایعات در کار و تولید می شود بنابراین تمام کشور های توسعه یافته و برخی از کشور های در حال توسعه به این مطلب اذعان دارند که بهبود بهره وری نیروی کار منشأ اصلی رشد اقتصادی و رفاه ملی است که این خود یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی است.

تعاریف مفاهیم نظری

۱-۲. تعریف اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی می فرماید.

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رشد اقتصادی کشور محفوظ بماند و هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا بکند یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفند های دشمنان که همیشگی و به شکل های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا نکند.

(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت ۹۱/۶/۲)

اقتصاد در چنین شرایطی اقتصاد مقاومتی است یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در برابر کارشکنی دشمن، خباث دشمن، دشمنانی که ما داریم.

(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدارهای جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانشبنیان ۹۱/۵/۸)

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانهای جهانی، با سیاستهای آمریکا و غیر آمریکا زیور و نمی شود؛ اقتصادی است متکی به مردم (بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی ۹۳/۱/۱)

بر این اساس اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد:

۱. در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب میبیند.

۲. تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می کند. (میرمعزی، ۱۳۹۲)

رهبر انقلاب اسلامی در حرم مطهر رضوی در اول فروردین سال ۱۳۹۳، به ۶ سوال اساسی در خصوص ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی پاسخ می دهد. ایشان اقتصاد مقاومتی را

یک الگوی علمی متناسب با نیاز کشور ما و سایر کشور هایی که شرایط اقتصادی مشابه با کشور ما را دارند می داند.

اقتصاد مقاومتی را اقتصادی درون زا و نه درون گرا می داند یعنی یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما می جوشد و در عین حال با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می شود؛ بنابراین درونزا است، اما درون گرا نیست.

این اقتصاد مردم بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با ارادهی مردم، سرمایهی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می کند.

اقتصاد دانش بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده می کند، به پیشرفتهای علمی تکیه می کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می دهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می توانند نقش ایفا کنند

در اقتصاد مقاومتی، تجربه‌ها و مهارت‌ها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند هم می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کنند.

این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند.

اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور صرفاً برای شرایط کنونی یعنی شرایط تحریم نیست بلکه در شرایط غیر تحریم نیز می‌تواند برای مردم کمک بکند.

۲-۲. بهره‌وری

۲-۲-۱ مفهوم بهره‌وری

بطور کلی مفهوم بهره‌وری برای حصول به زندگی بهتر در گذران زندگی، ایجاد آسایش در قبال استفاده از کار و نیروی فکر و ابزار می‌باشد و قدمتی به اندازه حیات انسان هوشمند بر کره خاکی دارد؛ به عبارت دیگر هر تصمیم مبتنی بر عقل و شعور که منجر به تلاش و فعالیتی شود که نتیجه بهتری را عاید کند (شاه آبادی ۸۱).

بهره‌وری را به عنوان مفهومی که ارتقای آن معادل بهتر زیستن و کیفیت بالای زندگی است در ذهن تداعی می‌کند. در واقع سعی افراد انسانی چه در فعالیت‌های فردی و یا گروهی در راستای ارتقای سطح زندگی، رفاه بیشتر در طول زمان معطوف به این بوده است که حداکثر نتیجه را از حداقل تلاشها و منابع و امکانات در دسترس تحصیل کند؛ و این اشتیاق و تمایل همان وصول به بهره‌وری بیشتر می‌باشد.

در تعالی و تکامل دانش در مسایل اقتصادی و اجتماعی، مفهوم بهره‌وری از نظر شکل و محتوی دچار دگرگونی شده و در جهت تکامل و توسعه، تعاریف جدید تر و کامل تری برای آن عرضه شده است.

در نتیجه بهره‌وری قبل از اینکه به عنوان یک شاخص اقتصادی و یا عامل توسعه مطرح شود، یک فرهنگ است. برای اینکه بهره‌وری در یک جامعه پایگاهی پیدا کرده و ماندگار شود و در متن عقاید و سنت‌های بومی ریشه بدواند باید نه تنها به عنوان یک معیار اقتصادی صرف، بلکه به عنوان یک اندیشه و تفکر قلمداد شود (کریمی، ۱۳۸۵)

۲-۲-۲ تعریف بهره‌وری

تعریف لغوی: واژه بهره‌وری ترجمه کلمه لاتین *productivity* به معنی باروری و سودمندی و استعداد تولیدی می‌باشد.

- فرهنگ آکسفورد: بهره‌وری عبارت است از بازدهی و کارایی در تولید صنعتی که توسط برخی از روابط بین ستاده و نهاده‌ها اندازه‌گیری می‌شود.
 - کلمه بهره‌وری اولین بار در سال ۱۷۷۶ توسط دکتر "فرانسوا کنه" اقتصاد دانان فرانسوی مورد استفاده قرار گرفت؛ و بهره‌وری را "توانمندی تولید بیشتر" تعریف کرد.
 - در قرن ۱۹ "لتر" بهره‌وری را بدین گونه تعریف کرد.
(قدرت و توانایی تولید کردن) که در واقع در اینجا، بهره‌وری اشتیاق به تولید را بیان می‌کند.
- از اوایل قرن بیستم این واژه مفهوم دقیق تری را به عنوان رابطه بازده (ستاده) و عوامل و وسایل بکار رفته برای تولید آن بازده (نهاده داده) را بدست آورد.
- فردی بنام (ارلی) در سال ۱۹۰۰: بهره‌وری را ارتباط بین بازده و وسایل بکار رفته برای تولید این بازده عنوان کرد.

- در سال ۱۹۵۵ (دیویس): بهره وری را تغییراتی که در میزان محصول نسبت به اثر منابع بکار رفته ایجاد میشود تعریف کرد.
- در سال ۱۹۷۶ (سیکل): مجموع نسبت های بازده به نهاده را بهره وری تعریف کرد.
- در سال ۱۹۷۹ (سومانث): نسبت خروجی های ملموس به ورودی های ملموس را بهره وری قلمداد کرد.
- سال ۱۹۹۹ (جکسون و پیترسون): بهره وری = کارایی*اثر بخشی = زمان لازم برای ایجاد ارزش افزوده/کل زمان تولید
- سال ۲۰۰۱ (موزنگ و رولساندر): بهره وری توانایی برآوردن نیاز های بازار به خدمات و یا مصرف حداقل منافع کل است.
- بطور کلی: بهره وری محصول نوعی نگرش خلاق در جهت بهبود و پویایی وضع موجود از طریق بالا بردن کمیت و کیفیت، اثر بخشی، سود آوری متناوب کار و جلب رضایت نیروی انسانی می باشد.

۲-۲-۳- بهره وری از دید سازمانهای بین المللی

در سال ۱۹۵۰ سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) تعریف کاملتری از بهره وری ارائه داد "بهره وری مساوی است بانسبت خروجی تولید به یکی از عوامل تولید" عوامل تولید ممکن است سرمایه، کار، مواد خام، انرژی، و... موارد دیگر باشد. دفتر بین المللی کار (ILO) بر این نظر است که کالاها در نتیجه ادغام چهار عامل عمده تولید می شوند. این چهار عامل عبارتند از: زمین، سرمایه، کار و مدیریت سازمان، رابطه بازده تولید با یکی از این عوامل مشخص کنند میزان بهره وری است. آژانس بهره وری اروپا (EPA): بهره وری عبارت است از درجه استفاده موثر از هر یک از عوامل تولید، به اعتقاد این آژانس بهره وری قبل از هر چیز یک دیدگاه فکری است. هدف بهره وری این است که بطور مستمر سعی در بهبود وضع موجود می کند. مبنای این هدف بر این عقیده استوار است که امروز بهتر از دیروز میتوانیم کار انجام دهیم و فردا بهتر از امروز. مرکز بهره وری ژاپن (JPC): هدف از بهره وری عبارت است از به حد اکثر رسانیدن استفاده از منابع نیروی انسانی، تسهیلات و غیره، به طریقه علمی و با کاهش هزینه های تولید، گسترش بازارها، افزایش اشتغال و کوشش برای افزایش دستمزد های واقعی و بهبود معیار های زندگی آنگونه که به نفع کارکنان، مدیران و مصرف کنندگان باشد. سازمان ملی بهره وری ایران: به اعتقاد سازمان ملی بهره وری ایران، بهره وری را میتوان معیار ارزیابی فعالیتها در بخش های مختلف اقتصادی - اجتماعی قلمداد کرد که با نسبت مطلوبیت حاصله (ستاده ها) بر منافع آنچه که برای حصول به آن صرف شده است (داده ها) نشان داده می شود (شیروانی، ۱۳۷۷)

۲-۲-۴- اهمیت بهره وری در اقتصاد مقاومتی

درجهان امروز بهره وری تقریباً مترادف با پیشرفت می باشد. استاندارد زندگی در یک جامعه به درجه ای از تأمین حداقل نیازهای جامعه بستگی دارد به عبارت دیگر مقدار کیفیت غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و امنیت اجتماعی، استاندارد زندگی را تعیین می کند. برای ارتقای استاندارد زندگی باید غذا، پوشاک، مسکن و ... بیشتر تولید شود. افزایش مقدار تولید کالاها و خدمات می تواند از طریق افزایش نهاده های نیروی کار و سرمایه صورت پذیرد و یا اینکه از منابع موجود به صورت کارا تر استفاده بعمل آید (وکیلی، ۱۳۷۰).

¹Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

منابع یک کشور عموماً محدود می‌باشد، بنابراین بهره‌وری بیشتر، یک ضرورت برای ارتقای استاندارد زندگی یک ملت می‌باشد و بهره‌وری بیشتر موجب رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی می‌شود. با بهبود بهره‌وری شاغلان به دستمزد بیشتر و شرایط کاری مناسب‌تر دست خواهند یافت و درعین حال فرصت‌های شغلی بیشتری تولید خواهد شد. بهره‌وری بالاتر از یک سو موجب کاهش قیمت‌ها شده و از سوی دیگر سود سهامداران را افزایش می‌دهد.

برای بهره‌وری بالاتر باید ضایعات به هر شکلی که وجود دارد از قبیل ضایعات در مواد، ماشین آلات، زمان، نیروی انسانی، فضا و دیگر اشکال آن شناسایی و حذف شود. فرآیندهایی که موجب ایجاد ارزش افزوده نمی‌شوند باید شناسایی و از چرخه تولید کنار گذارده شوند.

از طرفی نیز، رشد بهره‌وری عوامل تولید موجب کاهش هزینه‌های تولید و افزایش قدرت رقابت تولیدکننده‌ها در بازار می‌گردد؛ زیرا رشد بهره‌وری عوامل تولید سبب کاهش سطوح مختلف قیمت‌ها می‌گردد و کاهش سطوح مختلف قیمت‌ها از جمله قیمت عوامل تولید به کاهش هزینه متوسط تولید کالا و خدمات در بازار و افزایش میزان سود آوری محصولات محصولات در واحد‌های تولیدی می‌انجامد. پیامد چنین تحولی، تاثیر چشمگیری بر افزایش تقاضا و از همه مهمتر افزایش توان رقابت محصولات داخلی در بازارهای خارجی خواهد داشت. این امر به توسعه تولید و استفاده از حداکثر ظرفیت‌های تولیدی می‌انجامد و در نتیجه حجم سرمایه‌گذاری‌های جدید افزایش یافته و به دنبال آن، بهره‌گیری از ابداعات و فن‌آوری‌های جدید را گسترش می‌دهد و این خود عامل موثر در رشد بهره‌وری برای مرحله بعدی خواهد داشت (شاه‌آبادی، ۸۱)

در همین راستا، در ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی امر بهره‌وری در متن سیاست‌ها از طرف ایشان مورد تاکید قرار گرفته و محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور تصریح شده است.

به طوری که در بیش از ۱۰ بند از ۲۴ بند این سیاست‌ها به طور مستقیم به موضوع بهره‌وری یا مولفه‌های اصلی بهره‌وری توجه شده است.

از جمله: تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد در جهت محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد، توسعه کارآفرینی، پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان و ساماندهی نظام ملی نوآوری، استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش بهره‌وری، کاهش شدت انرژی، سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه، مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی)، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید و تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد بهره‌وری، کارآفرینی. (طباطبایی، ۱۳۹۴)

۲-۳. سرمایه انسانی

۲-۳-۱. تعریف سرمایه انسانی

سرمایه انسانی عبارت است از مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که فرد دریافت می‌کند که موجب بهبود در کیفیت نیروی انسانی شده و بر کیفیت و کمیت تولید می‌افزاید و برای دارنده این مهارت‌ها قابلیت افزایش درآمد ایجاد می‌نماید (بینجوا، ۱۹۹۸).

¹.Beyengju

به عبارتی ویژگیهای کیفی انسان اعم از آموزش، تخصص، مهارت، دانش، اطلاعات، خلاقیت و نوآوری عموماً نوعی سرمایه به شمار می آید به عبارت دیگر، سرمایه انسانی عبارت است از تغییرات و تحولات مثبتی که با انجام سرمایه گذاری در انسان بوجود می آید و باعث افزایش سطوح رفاه بشر و یا ارتقا و بهبود ظرفیت تولیدی افراد جامعه می شود.

بطوریکه قابلیت های نهادینه شده در وجود انسان (چه جسمی و چه فکری) سرمایه انسانی نامیده می شود بعد جسمی (مادی) با سرمایه گذاری در تغذیه، بهداشت و درمان و ورزش و بعد فکری در اثر نهادینه شدن دانش بوسیله آموزش و یادگیری تجربی در انسان حاصل می گردد (هرتوج و هوزنگا، ۲۰۰۰).

پیشینه ادبیات مربوط به نقش انسان در رشد و توسعه اقتصادی به پایه گذاری علم اقتصاد و دیدگاه های آدام اسمیت باز می گردد. تاکید نخستین نظریات بر نقش ابزاری انسان در رشد و توسعه اقتصادی بوده است.

در نظریات اقتصاددانان کلاسیک، انسان تنها به عنوان یکی از نهاده های تولید در چرخه تولید کالاها و خدمات مورد توجه بوده و انباشت سرمایه عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی بشمار میرفته است. پیروان این نظریات نگرش یکسره غیر انسانی و صددرصد فیزیکی به عامل کار داشتند در آن دوران جایگاه انسان به عنوان "نیروی کار" همانند موجودی بی روح بود که ابزار دست کارفرما بشمار می آید. آرام آرام انسان بودن عامل کار در چارچوب اصطلاح "نیروی انسانی" بجای نیروی کار پا گرفت. نظریه (ارزش مارکس) انباشت سرمایه را برخاسته از کار اضافی می دانست که به گونه درآمد، سود و یا بهره اضافی برای سرمایه داران نمود می یافت.

مارکس به اهمیت نیروی انسانی و کار نیز به علت نقش آن در انباشت سرمایه های فیزیکی نظر داشت و رشد انباشت سرمایه را مایه گرفته از افزایش ساعات کار و افزایش شتاب تولید در پرتو بهبود کارایی و بهره وری نیروی کار می دانست. پس از آن شومپیتر به نقش نوآوران و مبتکران که عهده دار هدایت سرمایه را به عهده داشتند توجه ویژه کرد و سود بدست آمده نوسان های دینامیک بر آمده از نوآوری و اختراع را عامل اساسی تشکیل سرمایه فیزیکی دانست.

او معتقد بود این سود تا هنگامی که نوآوری ادامه دارد وجود خواهد داشت. بهبود بهره وری و کارایی عامل کار چیزی نبود جز افزایش مهارت انسانی. در دهه ۱۹۵۰ تئودور شولتز اهمیت سرمایه انسانی را به عنوان عامل تولید همسنگ با اهمیت سرمایه طبیعی و سرمایه فیزیکی معرفی کرد بر این نکته تاکید نمود که نقش بهبود کیفیت نیروی کار که از طریق سرمایه گذاری در سرمایه انسانی حاصل می شود به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده رشد در تحلیل های سنتی عوامل موثر بر رشد اقتصادی فراموش شده است. این نگاه نو به ظاهر ساده در دهه های اخیر اهمیت بسیار یافته است و اقتصاددانان در پرتو آن به بازنگری در مفهوم سرمایه و سرمایه گذار پرداخته اند و منابع تازه ای که می تواند سبب افزایش تولید، بهره وری نیروی کار و سطوح رفاه گردد مورد شناسایی و تاکید قرار گرفته است (محمودی، ۱۳۸۲).

۲-۳-۲. سرمایه انسانی و بهره وری

سرمایه انسانی در واقع مکمل سرمایه فیزیکی است و موجب می شود تا از سرمایه فیزیکی به صورت مناسب تری بهره برداری می شود. هر قدر نیروی کار از آموزش بیشتر بهره جویند و هر قدر که این آموزش مفید تر باشد بهبود در کیفیت نیروی کار در افزایش میزان تولید تاثیر بیشتری خواهد داشت.

در حقیقت میتوان گفت که سرمایه فیزیکی تنها زمانی بیشتر، مولد خواهند شد که کشور دارای مقادیر لازم سرمایه انسانی باشد. در حقیقت افزایش سطح دانش و مهارت های مردم شرط لازم برای از بین بردن عقب ماندگی اقتصادی و ظرفیت های استفاده شده اقتصادی و ایجاد انگیزه های لازم برای پیشرفت است (تقوی، ۱۳۸۴).

¹Hertog & Huizenga

امروزه این نکته روشن است که افزایش بهره وری به خصوص درباره نیروی انسانی صرفاً به معنای بیشتر کار و یا زیاد کردن عده ای و کاهش فرصت های شغلی سایرین نیست و تجربه نیز نشان داده است کشور هایی که میزان رشد و بهره وری بیشتری دارند از سطح زندگی بالاتری برخوردارند.

امروزه نیروی انسانی به عنوان ارزشمندترین سرچشمه خلاقیت و تولید بالاترین جایگاه را در رشد بهره وری و توسعه دارد. اگرچه امروزه با جایگزین کردن فن آوری های جدید، تغییر اصلاح خطوط تولید، اجرای روش های نوین انبار داری ... می توان بهره وی را بهبود بخشید اما باید توجه داشت که تحقق این موارد در گرو قابلیت تخصص و آموزش و انگیزه نیروی انسانی می باشد (علیپور، ۱۳۸۳).

نقش سرمایه انسانی در افزایش بهره وری عوامل تولید و رسیدن به سطوح بالاتری از رشد اقتصادی به عنوان وسیله ای است که اقتباس فناوری از مرزها را تسهیل می کند و بکارگیری فناوری های برتر و توان رقابتی بیشتر در بازار مستلزم بکارگیری افزایش سرمایه انسانی است (چن و گوپتا، ۲۰۰۶).

سرمایه انسانی میتواند به عنوان یک نهاده وارد تابع تولید شود که در این صورت تولید کل را به موجودی نهاده های تولیدی مرتبط می سازد و می توان به عنوان شاخصی از بهره وری کل باشد که به واسطه تعاملش با موجودی دانش فنی تعیین کننده نرخ پیشرفت فنی می باشد (تکسیرا، ۲۰۱۰).

علاوه بر تاثیر جداگانه هریک از این عوامل موثر بر بهره وری عوامل تولید، سرمایه انسانی و تجارت خارجی مکمل یکدیگر بوده و از این طریق نیز موجب ارتقای بهره وری کل عوامل تولید می شوند زیرا از یک طرف توسعه سرمایه انسانی از طریق بالابردن سطح تحصیلات، مهارت ها، تخصص نیروی کار می تواند با تولید کالاهای با کیفیت، نو و بدیع باعث گسترش صادرات و پیشرفت های تجاری گردد و از طرف دیگر گسترش تجارت خارجی از طریق افزایش رقابت و انتقال دانش فنی، تقاضا برای نیروی کار ماهر را افزایش داده و افراد را تشویق به فراگیری مهارت ها و تخصص های مورد نیاز می کند (لوپز و سرانو، ۲۰۰۳).

۲-۳-۳. سرمایه انسانی و اقتصاد مقاومتی

با تاکید مقام معظم رهبری بر لزوم برنامه ریزی برای اجرای مفاد تدوین شده در اقتصاد مقاومتی نگاه ویژه ای به حوزه منابع انسانی در ارگان ها و سازمان های اجرایی و بنگاه های اقتصادی صورت گرفته است.

بدون شک اگر این نیروی بلقوه با سازماندهی و برنامه ریزی آموزشی اصولی و جهت دار که مطابق با اهداف چشم انداز در کشور تعریف شود می تواند بصورت نیروی بلفعل جلوه گر شده و در برنامه ریزی های خرد و کلان اقتصادی، در جذب سرمایه های داخلی و خارجی، در حوزه ارزش آفرینی در مواد خام، در حوزه ارتقای فناوری و دستیابی به دانش روز در صنایع بصورت موثر تری ظاهر شود.

با توجه به محدودیت منابع سرمایه ای اعم از فیزیکی و اعتباری در داخل کشور و کاهش ضایعات و هزینه های تولید لازم است نیروهای انسانی فعال در هر حوزه از تخصص و آموزش های لازم بهره مند شوند تا بتوان با بالابردن بهره وری نیروی کار علاوه بر کاهش ضایعات و بطبع هزینه های تولید محصولات با کیفیت و قابل رقابت در بازار های جهانی تولید کنند.

یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی در حوزه سرمایه های انسانی در کنار آموزش صحیح و کاربردی آحاد مردم توجه ویژه به نخبگان جامعه است.

¹.Chen & Gupta

².Teixeira

³.Lopez & Serrano

نخبگان به عنوان مغز متفکر جامعه می توانند با اتکا به هوش و نبوغ فکری و خلاقیت خود دانش و نوآوری را تولید کرده و به توسعه علمی کشور سرعت ببخشند و با حمایت از کارآفرینان کشور که آنان نیز به عنوان سرمایه های انسانی محسوب می شوند این ایده ها را به محصولات با ارزش افزوده بالا تبدیل کرده و علاوه بر بی نیازی کشور به این محصولات، در جهت صادرات نیز موفق عمل بکنند.

نتیجه گیری:

هدف کلی از این پژوهش نشان دادن اهمیت عامل انسانی در رشد و توسعه اقتصادی هر کشور می باشد. بطور کلی توسعه اقتصادی هر کشور را می توان در گرو ظرفیت و توان تولیدی آن کشور دانست و این ظرفیت نیز به میزان انباشت سرمایه فیزیکی و به خصوص سرمایه انسانی وابسته است.

با تعاریفی که از اقتصاد مقاومتی به عمل آمد نشان داد برای تحقق این برنامه لازم است از تمام ظرفیت ها و پتانسیل های داخلی بصورت بهینه استفاده نمود و تا جایی که امکان دارد وابستگی ها را به خارج از کشور کاهش داد.

و با توجه به هرم سنی جمعیت کشور و فراوانی نیروی کار جوان و نیز اهمیت این نیرو در بخش تولید و سازندگی لازم است سرمایه گذاری های کافی در خصوص آموزش و سلامت و ایجاد تخصص های کاربردی در راستای تربیت سرمایه های انسانی انجام بگیرد.

زیرا تجربه کشور های توسعه یافته نشان داده است که نیروی کار ماهر و سالم از بهره وری بالاتری نسبت به سایرین برخوردارند.

و کشور ما با توجه به محدودیت منابع اقتصادی ضروری است با بالابردن بهره وری نیروی انسانی، علاوه بر مدیریت زمان، ضایعات، هزینه ها و قیمت تمام شده محصول را در بخش تولید کاهش داده و با تربیت سرمایه های انسانی و بها دادن به نیروی کار خلاق، کالاهایی با کیفیت بالا و قابل رقابت در بازار های جهانی تولید بکنیم و با کاهش وابستگی ها اقتصاد کشور را از حمله های دشمنان مصون بداریم.

منابع:

۱. میرمعزی، سید حسین، ۱۳۹۱، "اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷
۲. شاه آبادی، ابوالفضل. پوران، رقیه، (۱۳۹۰). " رابطه متقابل سرمایه انسانی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تجارت و قدرت رقابت پذیری اقتصاد ایران " مجله بررسی بازرگانی شماره ۴۹. مهر و آبان ۱۳۹۰.
۳. شاه آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۰). " بررسی اثر سرریز فناوری از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی و واردات بر نوآوری " فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه
۴. کریمی، فرزاد، پیراسته، حسین، " ارزیابی و تحلیل تاثیرات متقابل بهره وری نیروی انسانی، هزینه های تولید و صادرات کالاهای صنعتی در ایران " ۱۳۸۳، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۵
۵. شیروانی، علیرضا، صمدی، بهمن، " مفهوم بهره وری و راههای ارتقاء بهره وری نیروی انسانی " ۱۳۷۷، مجله فرهنگ و تعاون، شماره ۹
۶. وکیلی، بهمن (۱۳۷۰)، نقش و اهمیت بهره وری و راه های ارتقای آن، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۰ - شماره ۵۱ و ۵۲
۷. طباطبایی، رویا یزدی، مصاحبه با سایت جام جم آن لاین، رئیس سازمان بهره وری ایران، ۱۳۹۴
۸. محمودی، مسعود، " دوره عمر سازمان و استراتژیهای بهبود بهره وری " ۱۳۸۰، مجله تعاون، شماره ۱۲۰

۹. تقوی، مهدی و محمدی، حسین (۱۳۸۴). "تاثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران". پژوهشنامه اقتصادی؛ شماره اول، شماره ۲۵، صص ۶۳-۱۶
۱۰. علی پور، محمد رضا. (۱۳۸۳). "بررسی تاثیر میزان بکارگیری فناوری اطلاعات بر ساختار سازمان". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی
۱۱. حسین زاده بحرینی، محمد حسین، "اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه" ۱۳۹۲، علوم قران و حدیث، مشکوه، شماره ۱۱۸

12. Hertog, j,& E, Huizenga, 2000: The knowlage Enterprise, Imperial college press,53
13. Beeyengju, j,1998: measurement of Human capital Input in Acroos Countries: A new Method and Result, retrieved. nov.11,200
14. Chen, c. &R.Gupta, 2006: An Investigation of openness and Economic Growth using panel Estimation, Department of Economics, Working paper series
15. Teixeira, A.C. and Fortuna, N. (2004).Human capital, innovation capability and economic growth using panel Estimation, Department of Economics, working paper series.
16. lopez, E, and G, Serrano, 2008: complementarity between Human Capital and Trade in regional technological progress, Rrgional Quantities Analysis Reaseach Group, university of Barcelona.